

به بهانه ساخت فصل هفتم پایتخت

بازگشت خانواده معمولی به آنتن تلویزیون



علی کلانتری ■ شاید باورش سخت باشد ولی سیزده سال از پخش اولین قسمت سریال پایتخت، ساخته سیروس مقدم می‌گذرد. سریالی که بدون افتراق در این سال‌ها جای خود را در میان مردم باز کرده و به راحتی توانسته با کوچک، بزرگ، مرد و زن و پیر و جوان ارتباط برقرار کند و حتی به جزئی از زندگی روزمره آنها تبدیل شود. سریال پایتخت از آن دست تولیدات تلویزیون است که از ابتدا مشخص بود تولید و پخش آن، محدود به یک فصل نخواهد بود و با اقبالی که در آن برهه از زمان نسبت به تک‌تک قسمت‌های آن به وجود آمد، عوامل را مجاب کرد که برای دل مردم هم که شده سراغ ساخت فصل دوم روند. اما سوال اینجاست، در میان سریال‌های تلویزیون چرا سریال‌هایی مانند پایتخت و «نون خ» موفق شدند و علاوه بر بدست آوردن اقبال مخاطب و رضایت مردم، تولید خود را به فصل‌های دوم و چندم بکشند؟ بسیاری از منتقدان اعتقاد دارند که روایت سسر راست و ساده از زندگی خانواده‌ای که سبک گذران روزهایشان بیشتر به مردم کف جامعه شباهت دارد، یکی از مهمترین دلایلی است که توانسته موفقیت سریال پایتخت را رقم بزند.

سریال پایتخت که روایت مصائب، خوشی‌ها و سختی‌های یک خانواده مازندرانی را روایت می‌کند هیچ مرزی و تفکیکی میان مردم و کاراکترهای خانواده معمولی قائل نیست. خانواده معمولی به همان سبکی گذران زندگی می‌کنند که مردم معمولی در استان مازندران و اکثر مردم ایران به آن نحو روزشان را شب می‌کنند. همان غذایی را می‌خورند که سر سفره اکثر خانواده‌های ایرانی است. در پایتخت خبری از برج و پنت‌هاوس و رستوران‌های آنچنانی و لاکچری نیست و کاراکترها خوردن غذا در کنار خانواده و روی سفره بر روی فرش را به میزهای ناهارخوری ترجیح می‌دهند. کاراکترهای پایتخت به مردم عادی شباهت دارند، همین مزیت‌ها و المان‌هاست که باعث شده سریال پایتخت پس از سیزده سال هنوز برای مردم و بینندگان جذاب باشد و بتواند حتی با بازپخش نیز سعادت مخاطبان را سرگرم کند.

سیروس مقدم کارگردان سریال پایتخت با گام نهادن در این مسیر سریال سازی از پیشگامان این سبک از تولیدات شد. آثاری که به دلیل اقبال بالا و درخواست مخاطبان به فصل‌های بعدی می‌رسند و تهیه‌کننده با دیدن ذوق مخاطبان مجبور می‌شود دوباره سمت تولید برود و به روحیه ای بالاتر فصل دوم را مقابل دوربین برد.

در جهان سریال‌ها از این دست آثار کم نداشتیم، از فرزندز گرفته تا آشنایی با مادر و بیگ بنگ توری و اکثر سریال‌هایی که از شبکه‌های آچ بی او و نتفلیکس پخش می‌شوند، معمولاً برای یک فصل کلید نمی‌خورند. کسب درآمد از ساخت آثار به دلیل پول بودن شبکه‌های کابلی یکی از مواردی است که سازندگان سریال قبل از پخش تولید به آن به شدت دقت می‌کنند و سعی می‌کنند در مسیری گام بردارند که سریال بعد از کسب اقبال مردم، به فصل‌های بعدی برسد. این پروسه با روند ساخت سریال‌های مانند پایتخت در ایران تفاوت‌های فاحش و جدی دارد؛ تماشای سریال از بستر تلویزیون و صداوسیما برای مخاطب ایرانی رایگان است؛ همین یک جمله می‌تواند دلیلی باشد بر موفقیت سریال پایتخت در بیش از یک دهه تولید و انتشار؛ مخاطبی که برای تماشا هیچ پولی پرداخت نمی‌کند و اجباری در کار نیست ولی حضرات ساعت‌ها بنشینند و سریال پایتخت را حتی برای بار چندم نیز تماشا کنند.

ترکیب و تیمی که برای اولین بار تصمیم گرفت سریالی را با عنوان پایتخت به مرحله تولید ببرد، ترکیبی قوی و دوست‌داشتنی بود. از کارگردان خوش نامی مثل سیروس مقدم تا نویسنده ای طنز و چیره دست و کار درست مثل مرحوم خشایار الوند تا بازیگرانی نام آشنا مانند محسن تابنده و ریما رامین فر و علیرضا خسته و مهراڻ احمدی انتشارهایی غیر از این نمی‌رفت. در سال‌هایی که خبری از پلتفرم‌های نمایش خانگی نبود با ظهور پایتخت در شبکه یک سیما تحولی در صنعت سریال سازی کشور صورت گرفت. پس از تجربه خوب ساخت و پخش یوسف پیامبر توسط صداوسیما که البته تنها در یک فصل عرضه شد، صداوسیما می‌رفت که در همان روزهای ابتدایی پخش، شب‌ها خیابان‌ها را برای دیدن سریال پایتخت خالی کند. پیش‌بینی‌ها درست از آب درآمد و سریال به قول معروف گرفت؛ با اینکه این سریال برای اولین بار در

نوروز ۱۳۹۰ منتشر شد ولی همچنان با توجه به سفرها و بازدیدها بنا به آمار منتشر شده از سوی سازمان صداوسیما، به یکی از پربازدیدترین برنامه‌ها تبدیل شد و دیالوگ‌ها و لپحه شیرین مازنی خیلی زود جای خود را در میان مردم پیدا کرد.

در ابتدای دهه ۹۰ تقریباً در هر کوچه و خیابانی یک نفر بود که با لپحه مازنی و با تقلید صدای یکی از کاراکترها دیگران را سرگرم کند. موجی که به راه افتاده بود علاوه بر دلگرمی عوامل تولید، به دلخوشی مخاطبان نیز تبدیل شده بود. با اینکه فصل اول تنها ۱۵ قسمت داشت ولی توانست به اندازه یک مجموعه ۹۰ قسمتی در دل مردم جا خوش کند.

پایتخت برای فصل دوم کلید خورد و دوباره پس از یک سال وقفه، نوروز ۱۳۹۲ خانواده معمولی مهمان‌های نوروزی خانه شدند. اینبار پیش از پخش به دلیل خاطره بازی‌های فصل اول، مردم به فصل دوم اقبال نشان دادند و تعداد بیننده‌ها چندین برابر شد. فصل دوم سریال پایتخت دوباره به کارگردانی سیروس مقدم مانند فصل ابتدایی این اثر، کاری جاده ای بود و خانواده معمولی برای نصب گنبد یک مسجد، مسیر علی آباد تا جزیره قشم را به ماشین و جاده گذراندند.

روند تولید این گونه سریال‌ها مشقت‌های فراوانی دارد علاوه بر سختی مسیر و تولید، به دلیل اینکه سریال لپحه و گونه خاصی از مردم عزیز کشورمان را روایت می‌کند، همواره فوکوس‌های فراوانی از سمت مخاطبان روی آن صورت می‌گیرد. عده ای مغرضانه قصد دارند با به حاشیه کشاندن این گونه آثار و ایرادهای بنی اسرائیلی، اثر را تضعیف کنند. البته برخی در این زمینه موفق شده اند و توانسته اند در چند سال اخیر با وارد کردن ایرادهایی دم دستنی روند تولید و حتی پخش برخی سریال‌های قومیتی را به تعویق بیندازند و با همین کار ضربه سنگینی به عوامل تولید و همچنین دوستداران سریال بزنند.

پایتخت توانست به ایجاد فضای مشفقانه و دوستانه و همچنین روایت اثری لطیف خود را از این حواشی دور کند. البته که باید این را در نظر گرفت که مشاوران تولید این اثر توانستند با مدیریت لپچه و همچنین یادآوری فرهنگ و سنت مردم عزیز خطه مازندران به عوامل تولید، از هرگونه ایجاد شائبه و شایعه جلوگیری کنند و الحق و انصاف که در این کار بسیار موفق بودند.

انتشار فصل سوم پایتخت دیگه یکسال وقفه نداشت. بلافاصله پس از پایان فصل دوم، عوامل سراغ ساخت فصل سوم رفتند و برای انتشار آن نوروز ۱۳۹۳ را انتخاب کردند. تلفیقی از گشتی ورزش اول استان مازندران و

مصائب همیشگی خانواده معمولی سوژه ای بود که تیم نویسندگان و کارگردان برای ساخت فصل سوم سراغ آن رفتند، فصل سومی که در ۱۵ قسمت به مانند فصل‌های قبلی منتشر شد و به زعم خیلی از بینندگان این اثر نمایشی، بهترین فصل از مجموعه شش گانه پایتخت بود. انسجام در تولید، استمرار شوخی‌ها و دیالوگ‌های طنزآزانه بدون از نفس افتادن ضربانک و روایتی که به معنای واقعی کلمه خود جامعه امروزی بود به خوبی توانست در کنار پایان بندی درست فصل سوم، مخاطبان را به ساخت فصل چهارم و ادامه خاطره سازی‌ها امیدوار کند.

فصل چهارم سریال چند تفاوت داشت. زمان پخش این مجموعه از نوروز به رمضان ۱۳۹۴ تغییر کرد. در پایتخت چهار دیگر خبری از مهراڻ احمدی در نقش بهبود نبود، همچنین زن ارسطو که از قضا چینی هم بود در این فصل به اقتضای روایت فیلمنامه حضور نداشت و ظاهراً در آخر فصل چهارم زاده‌ار آن بود.

فضای فصل چهارم سریال پایتخت کمی به مذاق بینندگان خوش نیامد، داستان این فصل که بیشتر حول محور ساخت و سازهای غیرمجاز در اراضی کشاورزی گذشت توانست آن طور که باید و شاید با مردم ارتباط برقرار کند و عده ای همچنان اعتقاد دارند که این فصل با مخاطبان ضعیف ترین فصل این مجموعه نمایشی است. پس از پایان این فصل که برخلاف فصل‌های قبلی ۲۲ قسمت داشت برخی مخاطبان اعتقاد داشتند که به پایان این سریال رسیدیم و دیگر عوامل قصه ای نو برای روایت و ارائه نداشتند هرچه زودتر باید پایان آن را اعلام کنند. اما این گونه نشد و عوامل به اصطلاح کم نیاورند و دوباره فصل پنجم را کلید زدند. فصل پنجم با دیگر فصل‌ها یک تفاوت فاحش داشت. سازمان هنری رسانه ای اوج پای کار سریال آمد و در بحبوحه حضور داعش در منطقه، سعی کرد که داستان سریال را به همان حال و هوا ببرد.

سرانجام بعد از نزدیک به ۲ سال وقفه، فصل پنجم سریال پایتخت همزمان با نوروز ۱۳۹۷ شروع به پخش کرد. سریال به زودی توانست کم و کاستی‌های فصل چهارم را جبران و دوباره به همان روال سابق برگردد و مخاطبان را برای پخش قسمت‌های بعدی بیش از پیش مشتاق کند. فصل پنجم به سبب داستان منتهب در اوج ظهور داعش در سوریه و عراق به خوبی توانست استرس و اضطراب مردم سوریه را به تصویر بکشند و مخاطب ایرانی را بابت امنیت در داخل مرزها شکرگزار کند. ضبط تصاویر و سکانس‌هایی سخت در ادامه روند اکشن طور این فصل از سریال باعث شد که مخاطبان بیش از پیش عوامل را تحسین کنند و دوباره ابراز علاقه خود را به این سریال

در شبکه‌های مجازی با انتشار برخی صحنه‌های جذاب، نشان دهند.

فصل پنجم پس از پایان ۱۸ قسمت دوباره با پایان بندی درست و به جا به پایان رسید. شاید کمتر کسی فکر می‌کرد که با شیوع کرونا و پس از مرگ نابهنگام خشایار الوند نویسنده چیره دست و زنده پایتخت که بخش عظیمی از اقبال مردم به این سریال مرهون قلم خشایار الوند بود، دوباره فصل جدیدی در راه باشد.

در کمال تعجب و پس از آنهمه اتفاق تلخ، تیم سازنده پایتخت تصمیم گرفت بخاطر دل دادیده مردم و شرایط بد کنونی و قرنطینه دل مردم را کمی شاد کند. فصل ششم هم کلید خورد، با این تفسیر که دیگر خشایار الوند نبود و محسن تابنده به جای او تصمیم گرفت سریال را در رشته تحریر دربیآورد.

سرانجام فصل ششم سریال نوروز ۱۳۹۹ به نمایش درآمد ولی به دلیل شیوع کرونا تولید و پخش آن متوقف شد و سپس از کش و قوس‌های فراوان به بالاخره، دو قسمت پایانی آن تولید و در اسفند ۱۳۹۹ به نمایش درآمد. ضعف فیلمنامه در فصل ششم پایتخت به دلیل فقدان خشایار الوند کاملاً محسوس بود. سریال پایتخت در فضای مرگ و میر کرونا توانست آن طور که باید و شاید با مخاطبان ارتباط برقرار کند و در نهایت با کلی سانسور و حواشی در قسمت آخر به پایان رسید.

حواشی پیش آمده برای دولتی‌های سریال پایتخت، مرگ کاراکتر بابا پنجعلی و خصوصاً نارامی‌های سال ۱۴۰۱ همه و همه دست در دست هم فضایی را به وجود آوردند بود که کسی فکرش را هم نمی‌کرد دوباره فصل جدیدی از پایتخت در راه باشد. چندین و چندبار اظهارات ضد و نقیض عوامل و خبر ساخت توسط صفحه‌های زرد مجازی در سال گذشته باعث شد عده ای از مردم دوباره به پخش آن امید داشته باشند.

همه این مسائل تا هفته گذشته ادامه داشت تا اینکه بالاخره، هومن حاج عبداللهی با انتشار استوری در صفحه خودش خبر از ساخت پایتخت ۷ داد.

احتمال می‌رود این سریال پس از کش و قوس‌های فراوان بالاخره بعد از چند سال وقفه، نوروز آسمال به آنتن تلویزیون برسد. سریالی موفق که در سال‌های پخش توانسته خاطرات خوشی را برای مردم بسازد و قطعا در گوشه و کنار کشور از شنیدن خبر ساخت فصل جدید خوشحال خواهند شد.

امید است با پخش سری جدید این سریال، روند ساخت سریال‌های این چینی در صداوسیما رو به افزایش باشد و مدیران سازمان با حمایت از چنین ترکیب‌هایی به چشم مخاطب احترامی ویژه بگذارند.

روایت حسام‌الدین سراج از حضور دوباره در ارکستر ملی

منتظر یک شب خاطره‌انگیز باشید

به خوبی پیشروی داشته باشد.

این خواننده همچنین درباره همکاری در پروژه ماه من گفت: برای همکاری در این اجرا از طرف بنیاد به من پیشنهاد شد و من هم پذیرفتم. طی صحبت‌هایی هم که داشتیم قطعات مورد نظر برای اجرا را انتخاب کردیم.

سراج با تاکید بر نوستالژیک بودن فضای قطعات انتخابی افزود: قطعاتی چون «شب عاشقان بیدل»، «شنان بی نشان» و آثاری که آقای رحیمیان برای ارکستر

تیم تهیه و کارگردانی این سریال پیش از این ساخت سریال پر مخاطب «ممنوعه» را در شبکه خانگی برعهده داشتند و «غربت» محصول جدید این تیم تولید است که برای اولین بار در نمایش خانگی قصه‌ای با محوریت زنان ساخته و پرداخته شده است.

در این سریال آنهایی درگاهی، مهدی حسینی نیا، بهاره کیان افشار، حسین مهری، ترلان پروانه،

ستایش رجایی‌نیا، حامد رسولی، ستاره پروین، لطف الله سیفی، صفورا خوش‌طینت، شهزاد صفوی، میثم مجاوری، هدیه ازیدهاک، هدیه محقق، نادر بولانی، سعید آژدرپور، ایرج رحمانی، نازنین فکرت با هنرمندی: سوسن پرور، مهدی میامی، لادن ژافه وند، حسین مسافر آستانه، فرید قبادی با معرفی: رابی نیک‌طلب، سامان مرادی، آیدا جعفری، مریم‌کیا به ایفای نقش

می‌پردازند. «غربت» یک درام اجتماعی با فضایی ملنجه است که روابط بین شخصیت‌ها قصه اصلی آن را شکل می‌دهد. در خلاصه این داستان آمده است: تعدادی از زنان یک کارتل مله مواد مخدر تصمیم به فرار و مهاجرت می‌گیرند و در این مسیر برای فرار از جبر صاحب کارشان می‌بایست از سد او گذر کنند.

در باتوق فیلم کوتاه مطرح شد؛ چرا بابت پوچ‌گرایی یک فیلم عصبانی می‌شویم؟

چهاردهمین جلسه از فصل نهم باتوق فیلم کوتاه، با اکران و بررسی فیلم‌های «مومستات» به کارگردانی روزبه اخوان، «ارامگاه» به کارگردانی علی دارایی، «دریچه» به کارگردانی مجید ابراهیمیان و «نارس» به کارگردانی نوا نعمتی با همکاری مؤسسه فرهنگی، تبلیغاتی بهمن سنیز-پخش رویش، در پردیس سینمایی بهمن برگزار شد. بعد از نمایش فیلم‌ها محمدرضا مقدسیان منتقد سینما و محمد صابری به‌عنوان مجری کارشناس برنامه به نقد این آثار پرداختند.

محمدرضا مقدسیان منتقد سینما گفت: به گروه سازنده و کارگردان هر چهار فیلم خسته نباشید می‌گویم، چون به هر حال فیلمسازی کار ساده‌ای نیست. در این جلسه تلاش می‌کنم تا آنجایی که فهم و دانشم اجازه می‌دهد با فیلمسازان صادق و در عین حال صریح باشم، چون به نظرم راهی غیر از صراحت نداریم و به واسطه صراحت رزندی پیش می‌آید. بهترین فیلمنامه، بهترین فیلمبرداری پول زیاد همه و همه خوب هستند اما قرار است ما را کجا ببرند؟ نسبت فیلمنامه با ایده چیست؟ مجموع فیلم‌هایی که امروز تماشا کردم مثل خیلی دیگر از فیلم‌های بلند و کوتاه مشکل فیلمنامه داشتند، در حوزه سریال‌سازی این موضوع به مراتب بدتر است اصلاً به نظرم یکی از عوامل بحران کم‌آبی ما فیلمنامه‌های آبی سریال‌های خانگی است!

وی بیان کرد: گاهی این گزاره از سوی سینماگران مطرح می‌شود که «این فیلمنامه دست از سرم برنمی‌دارد» اما این همان زمانی است که نباید فیلمنامه بنویسید چون نمی‌دانید باید چه کنید. آن زمانی که ایده و فیلمنامه در ذهن ما نه‌تنها شدن باید دست به کار شویم؛ بخشی از فیلم‌های کوتاه ناشی از ایده‌هایی است که سر و شکل پیدا نکرده‌اند.

مقدسیان درباره فیلم کوتاه «ارامگاه» گفت: ایده این فیلم مثل تیتروژنامه‌هاست و سوال این است که چرا باید چنین فیلمی بسازیم؟ چه ویژگی باید به آن اضافه کنیم تا تبدیل به فیلم شود؟ اگر تنها عدم امکان خاکسپاری قانونی نوزاد بدون شناسنامه به واسطه فقر دغدغه ماست، می‌توانیم آن را توپیت با استوری کنیم، چه زمانی این ایده تبدیل به فیلم می‌شود؟ در این فیلم یک ایده وجود دارد که جذاب است و آن ایده پست کردن پیکر بچه به آرامگاه در پایان فیلم است که به نظر خیلی سینمایی است اما قبلاً چه چیزی داریم؟ فیلم مدام بدیهیات را به ما می‌گوید، پس وقتی مختصات بصری و محتوایی نداشته باشیم در واقع داریم روی هوا خانه می‌سازیم. البته باید بگویم دغدغه‌ای که فیلم به آن می‌پردازد بسیار انسانی و شریف است اما فقط یک دغدغه است در حالی که فیلمنامه بعد از مرحله دغدغه، درمی‌آید.

به صورت کلی‌گویی نمی‌توانیم حرف‌های مهم را بزنیم. کار سینما چیزی جز گزارش تلویزیونی است. وی در ادامه درباره فیلم کوتاه «مومستات» بیان کرد: یک سری فیلم‌ها، فیلم‌های «چرای» و یک سری فیلم‌ها، فیلم‌های «چگونگی» هستند؛ «چگونگی» گاهی در روایت و گاهی در بازی حرف می‌دهد، «مومستات» حرف خاصی نمی‌زند و ادعایی هم ندارد در واقع درباره پوچ‌گرایی و نیست‌انگاری است پس طبیعتاً در چنین فیلمی یک سری آدم‌ها به احمقانه‌ترین شکل ممکن رنج می‌کشند، می‌میرند و درگیر چیزهایی می‌شوند که اصل نیست و با بی‌ارزش‌ترین شکل ممکن می‌میرند.

این منتقد سینما تأکید کرد: اگر بابت پوچ‌گرایی یک فیلم عصبانی می‌شویم به این دلیل است که اتفاقاً فیلم خوب عمل کرده است چون ما به طور کلی دوست نداریم بگویم آدم پوچی هستیم. «مومستات» گرچه یک فیلم درجه یک نیست اما حرف خود را می‌زند، همین نگاه‌های شباهت‌گرایانه مانست که باعث می‌شود برادران ارگ بعد از ۲ اثر خوب، حالا نمی‌دانند چه بسازند. کسی که می‌خواهد درباره پوچ‌گرایی بسازد تمام اتفاقات وی در بخش دیگری از نشست، درباره فیلم کوتاه «دریچه» توضیح داد: این فیلم دغدغه مهمی دارد گرچه فیلم خوبی به لحاظ کارگردانی، فیلمنامه و... نیست اما برای فیلم اول درخشان است. آنچه اهمیت دارد مسأله‌ا ارتباط با سینماست. سوال این است که آیا مجموعه آن چیزی که تحت عنوان سینما و رسانه با آن مواجهیم با چیزی که فیلم شده است، به آن اشاره می‌کند متفاوت است؟ در این فیلم سازندگان تلنگری به خودش می‌زند و می‌گوید نسبت من با سینما، زندگی و محتواهای تصویری چیست. در ادامه و در غیاب کارگردان فیلم کوتاه «نارس» مقدسیان درباره این فیلم مطرح کرد: وقتی می‌خواهیم یک فیلم (چه کوتاه چه بلند) بسازیم مهم است که بضاعت خودمان را بسنجیم یکی از کارهای مشاوران فیلمنامه یا مشاوران کارگردان این است که پیش‌پس رو را ببینند. اگر بتوانیم اندازه توانایی خودمان را در همان مرحله فیلمنامه بسنجیم موفق‌تر خواهیم بود.

این منتقد با اشاره به برخی ویژگی‌های مثبت این فیلم کوتاه مانند تصویربرداری آن، تأکید کرد: «نارس» به نظرم یک فیلم نارس است مثل هفتاد درصد فیلم‌هایی که در فضای کوتاه می‌بینیم و البته ایرادی هم ندارد چون بچه‌ها گاه‌گاهی اولیه را برمی‌دارند. دل‌بسته جشنواره‌ها نباشید و همواره فیلم خودتان را بسازید.

«غربت» در نمایش خانگی

سریال «غربت» به نویسندگی و کارگردانی امیرپورکیان و تهیه‌کنندگی صادق یساری، مجری طرح و تهیه‌کننده اجرایی مهدی یاری به زودی در سیمه نمایش خانگی پخش می‌شود.